

**اصول تجاری برای مقابله با رشوه‌خواری:**  
**ایجاد روح امانت داری در خاورمیانه و آفریقای شمالی**  
**آنا نادگرو دکیویز**  
**مقاله در یک نگاه**

\* مبارزه با رشوه‌خواری و سایر اشکال فساد، بخشی از اصلاحات گسترده تر حاکمیت در بخش‌های خصوصی و دولتی در سراسر خاورمیانه و آفریقای شمالی است.

\* لازم است بخش خصوصی توسط دولت ها و سازمان های جامعه مدنی به عنوان یک شریک ضروری و هم پایه در مبارزه با فساد شناخته شود.

\* **اصول تجاری سازمان شفافیت بین المللی برای مقابله با رشوه خواری** به همراه روش های صحیح بنگاه داری و هنجارهای مورد قبول بین المللی می تواند ابزاری مفید برای فعال کردن عملکرد بخش خصوصی در تلاش‌های ضد فساد و اصلاحات حاکمیت باشند.

## مقدمه:

غالباً فساد به عنوان یکی از موانع کلیدی برای بهبود دولت دموکراتیک در منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی (MENA) شمرده می شود. در الجزایر، اردن، لبنان، مراکش و سرزمین‌های فلسطین برای **گزارش توسعه انسانی اعراب** در سال 2004 یک نظرسنجی عمومی انجام شد و مشخص گردید که بیش از 90 درصد از افراد مورد ارزیابی، در چهارچوب استنباط خود از آزادی، مبارزه با فساد را امری مهم و حیاتی درجه بندی می کنند. ولی در عین حال اکثریت قریب به اتفاق احساس می کردند که فساد در کشورهای آنها بدتر شده است و تقریباً 40 درصد معتقد بودند که بهترین شیوه دستیابی به خدمات دولت از طریق پارٹی بازی بوده است.

فساد یک حاکمیت خوب را تضعیف می کند و خود نیز پیامد یک حاکمیت ضعیف است. طبق رابطه علی دوطرفه، فساد باعث تداوم دور باطل فقدان شفافیت و پاسخگو بودن از یک سو و نبودن عدالت و مسوولیت پذیری در تصمیم گیری‌ها از سوی دیگر می گردد. از آن جایی که فساد در MENA و در سراسر دنیا ارتباط قوی با کاستی های حاکمیت دارد، بیشتر اوقات به عنوان یک موضوع کاملاً سیاسی مطرح می شود. با این حال فساد دارای مفاهیم و مضامین اقتصادی جدی است. از آن جایی که ارزش های مشابهی که بر حاکمیت دموکراتیک سایه افکنده اند هسته بازارهای آزاد را تشکیل می دهند، فساد در توسعه اقتصادهایی که عملکرد مناسبی دارند ایجاد مانع می کند.

فساد از طریق تخصیص نادر ست منابع، پارٹی بازی و جانبداری از منافع خاص، یا افزایش هزینه های تجاری، باعث کاهش کارایی، دلسرد کردن نوآوری و تنزل سطوح رشد و استخدام می گردد. این امر باعث شده که فساد یک مساله فوق العاده اضطراری و فوری در MENA گردد، چراکه این منطقه نیازمند ایجاد میلیون ها شغل طی دهه آتی است تا برای جمعیت روزافزون جوان خود اشتغال فراهم نماید. بنابراین مبارزه با فساد - به خصوص رشوه خواری - باید بخش ضروری و جدایی ناپذیر در رسیدگی به مشکلات بزرگتر این منطقه در ارتباط با حاکمیت و پایداری اقتصادی باشد.

کشورهای MENA باید دریابند که جنبه های عرضه و تقاضای فساد به یک اندازه مهم هستند. دولت‌ها، که عمدتاً مسئول ایجاد جنبه تقاضای فساد هستند، نمی توانند بدون دخالت فعال جامعه تجاری منطقه از عهده این چالش پیچیده برآیند. بخش خصوصی اغلب قربانی فساد است، یا به طور مستقیم از طریق اخاذی و هزی نه بالاتر برای فعالیت تجاری، یا به طور غیرمستقیم به واسطه کاهش رقابتی بودن و نهادهای ضعیف بازار. البته فعالیت های مختلف اقتصادی و شرکت های تجاری نیز زمانی که به طور غیرقانونی خواستار بهره مندی از یک قرارداد

دولتی یا یک مزیت رقابتی غیرعادلانه هستند، می‌توانند سرمایه‌های برای فساد باشند. این رفتار جنبه تقاضای فساد را ایجاد می‌کند، و از این روست که جامعه تجاری بایستی یک شریک ضروری و پای ثابت در تلاش‌های محلی برای مبارزه با رشوه خواری باشد.

تجربه مرکز بین‌المللی تجارت خصوصی (CIPE) نشان می‌دهد که تجارت به جای آن که بخشی از مشکل فساد یا یک قربانی بی‌دفاع آن باشد، می‌تواند خود بخشی از راه حل برای معضل رشوه خواری بشود. جامعه تجاری می‌تواند در زمینه اصلاحات ضد فساد پویا باشد و به ماموران فاسد «نه» بگوید، اصلاحات داخلی را در سطح شرکت بکار برد و حامی و مدافع اصلاحات سازمانی در سطح کشور باشد. با کاربرد ابزاری مانند **اصول تجاری سازمان شفافیت بین‌المللی** برای مقابله با رشوه خواری، بخش خصوصی در کشورهای MENA می‌تواند به یک شرکت کننده اصلی در تلاش‌های ضد فساد و همچنین در اصلاحات عمده تر در زمینه حاکمیت و بازار مداری تبدیل بشود.

## مشکل رشوه خواری و اخاذی

فساد یک واژه کلی است که جنبه های مختلفی از سوءاستفاده از قدرت محول شده را برای بهره‌های شخصی در برمی‌گیرد. فساد می‌تواند شکل‌های فراوانی داشته باشد که مواردی نظیر استخدام و انتصاب خویشاوندان، ارائه قراردادهای به حامیان سیاسی یا سوءاستفاده از دسترسی خاص به اطلاعات داخلی شرکت‌ها برای خرید و فروش سهام را در برمی‌گیرد. شاید آشناترین و گسترده‌ترین شکل فساد، رشوه خواری باشد. در مقیاس کلان، عمل رشوه خواری نوعاً متصدیان دولتی، مقامات اجرایی ارشد و مبالغ بسیار زیاد پول را در برمی‌گیرد. تعجبی ندارد که چنین رسوایی‌هایی مورد توجه رسانه‌ها و عامه مردم است. در حالیکه رشوه خواری ممکن است بعنوان رسوایی عمومی باعث بد نامی نشود، رشوه خواری عموماً بسیار مخرب است.

زمانی که فسادهای کوچک در نظام اقتصادی و سیاسی کشور به سنگینی رسوخ نماید، ممکن است دیگر از آن به عنوان یک رفتار نامناسب یاد نشود. این رضایت و تن در دادن متداول به رشوه خواری به عنوان یک چیز «نرمال» از یک فساد بزرگ و رسواکننده خطرناک تر است، چراکه این رویه یک فرهنگ رشوه خواری را قوت می‌بخشد و فساد را به عنوان یک عرف و امر متعارف تقویت می‌کند. اگر رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده دیگر به رشوه خواری به عنوان یک نقض قانونی ننگرند، بلکه آن را یک هنجار پذیرفته شده بدانند، حاکمیت قانون به شکلی زیربنایی سست شده و صدمه می‌بیند و این دقیقاً چیزی است که در اکثر کشورهای MENA روی می‌دهد.

بدیهی است اکثر رشوه ها به روش اخ اذی گرفته می شوند و اینجا دیگر انتخاب آزاد شرکت در کار نیست. اگر اخاذی بطور گسترده باب شود، قابل درک خواهد بود که شرکت های تجاری به احساس تسلیم در برابر وضع موجود دچار شوند. به هر جهت مبارزه با اخاذی مشخصاً مسئولیت دولت و مجریان قانون است، اگرچه آنها همیشه از عهده انجام این وظیفه مهم برنمی آیند. حتی اگر افرادی که مسئول مبارزه با اخاذی هستند در وظایف خود کوتاهی کنند، شرکت های تجاری می توانند خود برای محدودسازی فساد گام بردارند - و **اصول تجاری مقابله با رشوه خواری** می تواند در این زمینه کمک کننده باشد. اگرچه **اصول تجاری** اصولاً به نوع ارادی رشوه خواری می پردازد که در آن شرکت های تجاری درگیر به دنبال دستیابی به یک مزیت غیرمنصفانه هستند، ولی این اصول مربوط به کاهش اخاذی نیز می باشند. شرکت ها از طریق کاربرد سیستم های کنترل داخلی بر روی حسابداری و دفترداری، می توانند پنهان کردن رشوه خواری ها، از جمله رشوه خواری هایی که ناشی از اخاذی هستند را سخت تر نمایند. این امر برملاسازی و ثبت موارد اخاذی و در نتیجه ممانعت از آنها را آسان تر می سازد.

### **تعریف رشوه خواری**

رشوه خواری، ارائه یا پذیرش هر گونه هدیه، وام، حق الزحمه، پاداش یا هر مزیت دیگر توسط افراد، جهت تطمیع و ایجاد انگیزه انجام کاری است که از نظر قوانین رفتار تجاری شرکت غیرصادقانه، غیرقانونی یا شکننده حریم اعتماد می باشد.

### **منبع: اصول تجاری برای مقابله با رشوه خواری**

از آنجایی که فساد موضوعی گسترده و حساس است، اغلب بحث بران گیز بوده و در کشورهای مختلف نگاه های متفاوتی به آن می شود. اکثر کشورها، رشوه خواری را چیزی غیرقابل اجتناب می دانند، که نتیجه گستردگی اخاذی یا یک عرف متداول می باشد. بنابراین در درک عمومی، فساد موضوع سیاه و سفید نیست. فساد طیفی از سایه های خاکستری را دربرمی گیرد که اغلب به شیوه ای منعکس می شوند که فساد در آن زبان توصیف می گردد. به عنوان مثال اعراب دارای واژه هایی هستند که به فعالیت هایی تلقی می شوند که ممکن است به عنوان فساد در نظر گرفته شوند یا نشوند. در حالی که واژه **فساد** (فساد یا ارتشاء) به نوعی دارای معنایی منفی است، واژگان متداول دیگر ضرورتاً نازل و تحقیرآمیز نیستند و نیازمند تفسیر و تعبیر می باشند. آیا **بخشش** (پرداخت اندک) یک پرداخت تسهیل کننده است یا یک انعام؟ آیا **وسطا** (پارتی بازی) استفاده غیراصولی از آشنایان است یا یک عملکرد شبکه ای قانونی؟ چنین

ابهام‌ناهی باعث می‌شود فساد یک موضوع احساس‌ساز باشد و اغلب مانع از بحث سازنده درباره چگونگی مبارزه با پیامدهای زیان‌بار و تبعیض‌آمیز آن می‌شود.

## رویکرد اقتصادی در مقابل رشوه‌خواری

اولین گام در مسیر پرداختن به مشکل رشوه‌خواری این است که دریابیم این امر تنها یک موضوع سیاسی نیست. سرمنشا فساد تعدادی از مقامات یا مستخدمین دولتی ناصالح و متقلب نیستند، و با جایگزینی صرف آنها نیز فساد پایان نمی‌یابد. درک بهتر از علل رفتار فاسد مانند رشوه‌خواری مستلزم طرح آن به عنوان موضوعی اقتصادی و سازمانی است. رشوه‌خواری به خاطر نوسانات کارا کتر افراد ایجاد نمی‌شود - یا حداقل به طور انحصاری مربوط به این امر نمی‌باشد. مهمتر از آن محیطی است که انگیزه‌هایی را برای رفتار فاسد ایجاد می‌کند. در نتیجه رشوه‌خواری و سایر اشکال فساد اصولاً پدیده‌هایی اقتصادی هستند که به واسطه سازمان‌های ضعیف و حاکمیت ناکلفی ایجاد می‌شوند.

یک جنبه اقتصادی در مبارزه با رشوه‌خواری مستلزم آن است که این موضوع را از دریچه لنزهای عرضه و تقاضا مورد بررسی قرار داد. اغلب اوقات فساد فقط در مورد ماموران و متصدیان دولتی که رشوه را پذیرفته‌اند مورد سرزنش قرار می‌گیرد. ماموران و متصدیان دولتی جنبه تقاضای فساد را تشکیل می‌دهند و به طور آشکار و قطعی بار مسئولیت این امر بر دوش آنهاست، اما آنها به تنهایی مسئول نمی‌باشند. انجام یک مبادله رشوه نیازمند دو طرف می‌باشد: در همه موارد پیشنهاد رشوه پیش از گرفتن آن انجام می‌شود. این امر جنبه عرضه فساد است.

فرهنگ رشوه‌خواری اغلب در سراسر جوامع وجود دارد فقط به این دلیل که قشر متوسط شهروندان راه دیگری برای دستیابی به خدمات عمومی اصلی ندارند. حتی اگر رشوه‌خواری بطور فراگیر در همه بخش‌های جامعه گسترده باشد، این بخش خصوصی است که به طور خاص یک منبع رشوه می‌شود. حتی شرکت‌های کوچک معمولاً دارای منابع بیشتری نسبت به شرکت‌های غیرکارآفرین می‌باشند و این منابع باعث وسوسه ماموران برای ارتکاب به فساد می‌گردد. شرکت‌های تجاری در مقایسه با تک‌تک شهروندان تابع قوانین و مقررات بیشتری هستند، و این مقررات قانونی پیچیده به‌طور اجتناب‌ناپذیری پتانسیلی برای سوء استفاده ایجاد می‌کند. در نتیجه، رشوه‌خواری در شرکت‌های تجاری در اکثر کشورهای در حال توسعه، از جمله کشورهای منطقه MENA امری متداول باقی می‌ماند.

رشوه‌خواری یک اقدام تجاری معمول می‌گردد زیرا می‌تواند در دسترسی به خدماتی که شرکت‌ها مستحق آن هستند تسریع ایجاد نماید، و به اجتناب از مجازات توسط مقامات مسئول

کمک می کنند (چه مستحق آن باشند یا نباشند)، و موانع بوروکراتیک را حذف می کند، یا قراردادهای دولتی پرسود را تضمین می نماید.

## هزینه های فساد

پژوهشی اخیر از جامعه تجاری **عراقی** که توسط انجمن بین المللی CIPE و Zogby انجام شد نشان داد که فساد بیش از 20 درصد به هزینه های تجاری 52 درصد از شرکت های مورد ارزیابی افزوده است. 13 درصد از شرکت های مورد ارزیابی تخمین زدند که فساد بین 30 تا 40 درصد به هزینه ها می افزاید و یک پنجم آنها گفتند که فساد بیش از 40 درصد به هزینه های آنها می افزاید.

برای اطلاعات بیشتر به این منبع مراجعه کنید : نگرش های تجاری درباره بازسازی

اقتصادی و سیاسی عراق

[www.cipe.org/regional/mena/iraq/pdf/IraqPoll\\_08.pdf](http://www.cipe.org/regional/mena/iraq/pdf/IraqPoll_08.pdf)

اما چیزی که ممکن است از دیدگاه یک شرکت منفرد به عنوان مزیت و منفعت کوتاه مدت رشوه خواری به حساب آید، با ایجاد رقابت غیرعادلانه و هزینه های اضافی به کل تجارت آسیب می رساند. این هزینه ها قابل اندازه گیری هستند : بانک جهانی برآورد نموده است که "رشوه خواری یک صنعت یک تریلیون دلاری شده است" و در اکثر بخش های دنیا بیش از 10 درصد به هزینه های انجام داد و ستد تجاری افزوده است. رشوه خواری همچنین عوارض خارجی غیر آشکاری دارد که به همان اندازه پرهزینه می باشند. رشوه خواری با تضعیف حکومت قانون باعث بدتر شدن حاکمیت شده و کارایی و بهره وری را در اقتصاد کاهش می دهد. همانطور که دیوید پیت واتسون رییس خدمات تساوی حقوق مالکیت صاحبان سهام هرمس می گوید: سوء استفاده از قدرت محول شده برای بهره و نفع خصوصی همواره برای فردی که این کار را انجام می دهد مطلوب است، اما اگر همه بخواهند چنین کاری بکنند فاجعه آمیز خواهد شد.

آنچه که در اکثر تلاش های ضد رشوه خواری در سراسر دنیا نادیده گرفته می شود همگرایی بین توجه به جنبه های عرضه و تقاضای فساد به طور همزمان است. در بحث هایی که پیرامون اکثر این تلاش ها می شود، عموماً شنیده می شود که شرکت های تجاری دولت ها را سرزنش می کنند و بالعکس، بدون آنکه طرفین به درک مشترکی از این مسئله برسند. به هر حال به منظور موفقیت اقدامات ابتکاری در برابر رشوه خواری، امتناع از رشوه خواری باید برای همه طرفین ذینفع از جمله شرکت های تجاری، از نظر اقتصادی معنادار باشد. دستیابی به این هدف از طریق طراحی و ایجاد سازمان ها و استانداردهای رفتاری بهتری میسر است که هزینه های

فساد را تا حدی بالا می‌برند که دیگر ارزش ریسک کردن نداشته باشد. **اصول تجاری برای مقابله با رشوه‌خواری** ارائه‌دهنده یکی از این ابزار عملی برای مشارکت شرکت‌های تجاری در ایجاد و برقراری حاکمیت بهتر است.

## اصول تجاری برای مقابله با رشوه‌خواری

**اصول تجاری** در سال 2002 به عنوان تلاش مشترک طرف‌های ذینفع مختلف، از شرکت‌ها و دانشگاه‌ها گرفته تا اتحادیه‌های تجاری و نهادهای غیردولتی، طراحی و ایجاد شد. **سازمان شفافیت بین‌المللی** با همکاری **سازمان پاسخگویی اجتماعی بین‌المللی** و با حمایت CIPE و سایر سازمان‌های جامعه مدنی باعث پیشبرد این تلاش گردید. **اصول تجاری** یک الگوی دقیق را برای سیاست‌های ضد رشوه‌خواری بنگاه‌ها ارائه می‌دهد و شرکت‌ها را ترغیب می‌کند تا برنامه‌های ضد رشوه‌خواری خاص خود را طراحی و ایجاد کنند یا اینکه از برنامه‌های موجود الگوبرداری کنند.

الزامات و ضرورت‌هایی که توسط **اصول تجاری** مطرح شده‌اند ساده و بی‌پرده بوده و در بسیاری از جاها عملی و قابل اجرا می‌باشند. آنها نه تنها بیانگر نیاز به تعهد بخش تجاری نسبت به ارزش‌های امانت‌داری، شفافیت و پاسخگو بودن هستند، بلکه به گام‌ها و مراحل مختلف در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه مقابله با کلیه اشکال و نمودهای رشوه‌خواری نیز می‌پردازد. شایع‌ترین شکل‌های رشوه‌خواری که در این اصول به آنها پرداخته می‌شود عبارتند از: رشوه‌های آشکار، مشارکت‌های سیاسی و خیریه‌های غیراصولی و نایب‌ها، هدایا، مهمان‌نوازی، پرداخت مخارج، پرداخت‌های تسهیل‌کننده و انواع دیگر پرداخت‌های غیراخلاقی.

کاربرد **اصول تجاری** مستلزم آن است که یک هیئت مدیره مسئولیت رسمی را برای مقابله با رشوه‌خواری بر عهده بگیرد، کانال‌های موثر استخباری ایجاد نماید به گونه‌ای که افراد گزارش‌دهنده موارد فساد دچار دردسر یا مشمول مجازات و تنبیه نشوند، سیستم‌های کنترل درونی مناسب بوجود آورد و ارتباط و آموزش بهتری را تأمین نماید. صرفاً رد کردن ارتکاب رشوه‌خواری کافی نیست. حتی اگر مدیران و کارمندان یک شرکت معین، استانداردهای داخلی ضد فساد را داشته باشند، مادامیکه یک فرهنگ گسترده امانت‌داری وجود نداشته باشد، هیچ چیز مانع نمی‌شود که رقبایی که از نظر اخلاقی پایین‌تر هستند از موقعیت‌ها سوءاستفاده نمایند. به همین خاطر تدوین قوانین تجارت اخلاقی به عنوان جزء لاینفکی از شهروندی سازمانی یک ضرورت می‌باشد.

**اصول تجاری** این حقیقت را در نظر می‌گیرد، و درحالی‌که بر شرکت‌ها بطور انفرادی تمرکز دارد، اما تغییر و تحولات برای پشتیبانی از **این اصول** را به صورت نظام‌مند

در دستور قرار می‌دهد. هدف آن نه تنها بهبود مکانیزم های ضد رشوه خواری و هنجارها در یک نهاد خاص می‌باشد بلکه در واقع محرک یک تغییر ارزش است که فساد را برای اکثر تجارت ها مضر و در نتیجه غیرقابل قبول تشخیص می دهد. هدف نهایی آن است که ارزش های شفافیت و مسئولیت پذیری را به صورت نهادهایی درآورد که یک میدان بازی مسطح و بی پیرایه ایجاد نماید تا شرکت های تجاری بتوانند در یک محیط مبتنی بر اعتماد فعالیت داشته باشند . فقط چنین تغییر سیستماتیک می تواند موجب پایبندی گسترده به استانداردهای ضد رشوه خواری شود و به مسئله عملکرد جمعی و یکپارچه بپردازد.

یک محیط اقتصادی و سیاسی عاری از فساد به عنوان یک کالا و دارایی ارزشمند عمومی است. با این حال فقط از طریق عملکرد جمعی و هماهنگ افراد ایجاد می گردد. مشکل دستیابی به یک چنین همکاری در بخش خصوصی از آنجا ناشی می شود که رفتار لازم برای ایجاد یک محیط تجاری عاری از رشوه خواری ضرورتاً برآورده کننده منافع کوتاه مدت یک شرکت خاص نیست. اکثر شرکت ها بطورکلی توافق نظر دارند که رشوه خواری بد است و ممکن است حتی تعهدات آشکاری را برای مبارزه درون شرکتی با رشوه خواری امضاکنند، اما بدون مشوق و انگیزه اجرا چنین اظهارات و تعهداتی اغلب تحقق نمی یابند. تا مادامی که رشوه خواری به طور گسترده به عنوان یک مولفه ضروری و حتی دارای مزیت برای عملکرد تجاری مورد قبول باشد، به سختی می توان انطباق یک جانبه با برنامه های ضد رشوه خواری را انتظار داشت . **اصول تجاری** برای تغییر این وضعیت، به بخش خصوصی یک شالوده قوی می‌بخشد.

### **کاربرد اصول تجاری برای مقابله با رشوه خواری**

پنج سال بعد از انتشار **اصول تجاری** مربوط به رشوه خواری (BPCB) این اصول به عنوان استاندارد اصلی ضد رشوه خواری بنگاه ها شناخته شدند و بر سایر اقدامات مختلف ضد فساد و مسئولیت پذیری اجتماعی سازمانی نیز تاثیر گذاشتند.

\* BPCB پایه و ساختار اصلی جدیدی را برای شفافیت سازمانی و گزارش دهی در

محدوده ضد رشوه خواری ارائه می‌دهد.

\* تعداد قابل توجهی از شرکت های سراسر دنیا BPCB را پذیرفته اند.

\* BPCB توسط **بانک جهانی** و **شرکت سرمایه گذاری خصوصی دولت آمریکا** در

**کشورهای خارجی** به عنوان مدلی برای برنامه های ضد رشوه خواری شناخته می‌شود.

\* شاخص FTSE9Good برای سرمایه گذاری مسئولانه اجتماعی معیار ضد رشوه خواری

بر اساس BPCB را معرفی و ارائه نمود.



\* **گردهمایی اقتصادی دنیا برای اتحاد و اقدام مشارک تی علیه فساد (PACI)**

عمدتا اصول خود را براساس BPCB پایه گذاری کرده است.

\* **شاخص پایداری داوجونز به BPCB اشاره دارد، همان کاری که تجارت انگلستان در**

**شاخص جامعه تجاری انجام می‌دهد.**

\* **BPCB در برنامه موافقت نامه جهانی سازمان ملل گنجانده شده است، که این**

مورد، اقدام جمعی رهبران تجاری برای ارتقای شهروندی سازمانی مسئولیت‌پذیر بود.

\* **با انتشار اخیر اصول تجاری درباره شرکت‌های کوچک و متوسط، این اقدام ابزار**

ضد رشوه‌خواری را در اختیار طیف گسترده‌تری از شرکت‌ها قرار می‌دهد.

به منظور فراگیری مطالب بیشتر درباره **اصول تجاری** از سایت زیر دیدن کنید:

[www.transparency.org](http://www.transparency.org)

### **مقابله با رشوه‌خواری به عنوان بخشی از اصلاحات گسترده‌تر حاکمیت**

مسئله رشوه‌خواری در MENA از جنبه های بسیاری بازتاب مسیره‌ای تحول در جاهای

مختلف دنیاست. اولاً درجه ای از تمایز در این منطقه وجود دارد. براساس **شاخص ارزیابی و**

**تعبیر فساد (CPI) سازمان شفافیت بین المللی 2007**، کشورهای MENA را می‌توان به 3

طبقه تفکیک نمود. اردن و اکثر کشورهای خلیج فارس دارای امتیازهای نسبتاً خوب هستند و (در

بین 180 کشور مورد بررسی) جزو 30 تا 50 کشور رده بالا قرار دارند. کشورهای این گروه شامل

کاستلویکا، مجارستان، ایتالیا، آفریقای جنوبی و تایوان می باشند. دومین گروه شامل الجزایر،

کویت، لبنان، مغرب (مراکش)، عربستان سعودی، تونس هستند و در رده بندی 60 تا 90 قرار

دارند. این گروه قابل مقایسه با برزیل، چین، هند، رومانی و تایلند هستند. بالاخره بدترین وضعیت

در این منطقه از آن مصر، ایران، عراق، لیبی، سوریه و یمن می باشد. این کشورها در پایین ترین

رده 100 تا 180 کشور آخر قرار دارند و عراق در موقعیت 178 قرار دارد که فساد در آن فقط از

میانمار و سومالی کمتر است.

این طرز تلقی درباره فساد ممکن است به طور کافی مشکلات اساسی‌تر منطقه را

منعکس نسازد. در **شاخص‌های حاکمیت در سراسر جهان مربوط به بانک جهانی**،

کشورهای MENA نسبت به سطح درآمدشان همواره پایین تر از حد انتظار هستند، و همه آنها

ضعف حاکمیتی مشابهی دارند، بخصوص در زمینه های اظهارنظر و مسئولیت‌پذیری. این ضعف‌ها

از ماهیت نظام های سیاسی و اقتصادی این کشورها ریشه می گیرد. تقریباً همه کشورهای

MENA حداقل تا حدی استبدادی هستند و تقریباً همه اقتصادهای MENA به طور مستقیم و

غیرمستقیم به رانت‌های بیرونی وابسته هستند، که عمدتاً از نفت ناشی می شود. این ارتباط

بین فقدان دموکراسی در منطقه و فراوانی رانت‌های بیرونی به طور تصادفی نیست. این حقیقت که تقریباً اکثر کشورهای MENA بسته به رانت‌های بیرونی، به عنوان کشورهای رانت‌گیرنده یا نیمه رانت‌گیرنده توصیف می‌گردند، به هسته مرکزی مدل سیاسی و اقتصادی آنها بازمی‌گردد. جریان‌های کلانی از درآمد که به جیب دولت می‌رود نقش عمده‌ای در فقدان شفافیت و پاسخگو بودن دارند نه تنها درباره چگونگی اجرای اقتصادهای MENA بلکه در زمینه چگونگی عملکرد سیستم‌های سیاسی. این سیستم رانت‌خواری که چند دهه قدمت دارد به طور موثری نقش مهم و بارز مالیات را در تعریف و تصویر کردن رابطه اقتصادی دولت و ملت تضعیف می‌کند و جمعیت‌های محلی را از شهروندان دولت به ارباب رجوع و طرف تجاری تبدیل می‌کند. این سیستم تسهیل‌کننده رفتار فاسد است و ایجاد تمایز بین شکل متعارف و قراردادی فساد و یک نقص دائمی در خود سیستم که منتج از قوانین "مقلبانه" است را مشکل می‌سازد. این نقصان به طور ذاتی در سیستم وجود دارد. مثلاً در برخی از کشورهای MENA هم قانون و هم فرمان عمومی، زمین و منابع طبیعی آن را متعلق به حاکم می‌دانند، در نتیجه منابع عمومی و خصوصی تلفیق می‌شوند و دارایی خصوصی شهروندان عادی بیش از واگذاری‌های حاکم و طبق هوس او، نمی‌باشند.

امروزه نا کارآمدی مشهود حاکمیت در MENA به عنوان پیامد نهادینه شدن موسسات اقتصادی و سیاسی است که امتیاز حکومت و نخبگان حاکم را با احترام تقدیس می‌نماید، و مانع از توسعه دموکراسی و اقتصاد بازار می‌شود. یکی از آشکارترین نمودهای ظاهر شده این نا کارآمدی حاکمیت همان فساد سازمانی است که به طور اجتناب ناپذیری در تقاطع چهارچوب‌های اقتصادی و سیاسی معیوب ایجاد می‌گردد.

## **فساد به عنوان نشانه نا کارآمدی حکومت**

نظام‌های سیاسی غیردموکراتیک و نظام های اقتصادی دولت مدارمشترکاً باعث ایجاد

محیط مناسب برای رشوه خواری و فساد می‌شوند. این امر عوارض زیر را موجب می‌گردد:

\* فقدان مسوولیت‌پذیری دموکراتیک و نظارت مستقل

\* فقدان شفافیت در سیاست‌گذاری ها و روابط بین دولت و فعالیت های تجاری

\* تفکیک مبهم و نامشخص بین وجوه مالی دولتی و وجوه مالی شخصی حاکمان

\* کنترل و موازنه ناکافی

\* حقوق مالکیت اموال تعریف نشده و نامشخص

\* قوانین و مقررات تیره و مبهم

\* مکانیزم‌های اجرایی ضعیف

\* آژانس‌های دولتی که از مزاد نیرو، بازده کم و ناکارآمدی رنج می‌برند

\* موانع برای کارآفرینی و رقابت آزاد

\* محدودیت جریان یافتن آزادانه اطلاعات و آزادی رسانه‌ها

\* ضعف جامعه مدنی و گروه‌های محافظ ضعیف

رسیدگی و پرداختن به میراث دولت رانت خوار و اصلاح نهادهای آن کار آسانی نیست . اما مقابله با رشوه‌خواری می‌تواند و باید یک اولویت ارزشمند باشد، دقیقاً به این دلیل که اصلاحات ضروری برای محدود کردن فساد، بخش مرکزی اصلاحات گسترده تر حاکمیت را نیز تشکیل می‌دهند. در نتیجه اهمیت کاربرد اقدامات ضد رشوه‌خواری برای حاکمیت بهتر در بخش‌های دولتی و خصوصی MENA را نمی‌توان نادیده گرفت. تحقیقات جهانی نشان می‌دهد که کشورهایی که با فساد مقابله می‌کنند و حاکمیت را بهبود می‌بخشند می‌توانند درآمدهای داخلی و ملی خود را در درازمدت تا 4 برابر افزایش دهند . این "سودبخشی حاکمیت" را می‌توان در MENA تحقق بخشید، به شرط آنکه بخش خصوصی، ثبت موارد رشوه خواری در حیطه کاری اش را بهبود بخشد و با دولت‌ها و سازمان‌های جامعه مدنی وارد یک دیالوگ سازنده شود.